شهید قاسم سلیمانی | شهید ابومهدی المهندس | شهید مصطفی چمران | شهید ادواردو آنیلی | شهید حسن شاطری | شهید حسن طهرانی مقدم | شهید حسین همدانی | شهید محسن فخری‌زاده | شهید صیاد شیرازی | شهید محسن حججی | شهید سیدمحمدباقر حکیم | شهید عماد مغنیه | شیخ ابراهیم زکزاکی | دکتر رمضان عبدالله | سردار ابراهیم محمدزاده | سیدحسن نصرالله

بازتابی از گزارش‌های کیهان در مورد شهدای میرسالاری-۲

چگونه می‌توان بدون خلبان شدن هم پرواز کرد؟

کامران پورعباس

شـــهدای میرسالاری، قهرمانان و دلاورانی از نسل امام موســـی کاظم(ع) هســـتند. ســـادات میرسالاری شـــهدای والامرتبه و گرانقدری تقدیم انقلاب اسلامی ایران کرده‌اند. در کتاب «همنشینان مهتاب» که توسط سید کاظم مطلوبی میرسالاری گردآوری شده، مروری بر زندگینامه و وصیت‌نامۀ سرداران و۱۱۰ شهید سادات میرسالاری ذکر شده است.

صفحه فرهنگ و مقاومت کیهان در آذرماه ۱۳۹۹ در گزارشی با عنوان «خواب آمریکا را آشفته کردند»، برش‌هایی از زندگینامه و وصیت‌نامه چند شهید والامقام از سادات میرسالاری منتشر نمود که منبع آنها کتاب همنشـــینان مهتاب و مصاحبه با آقای ســـید ابراهیم میرسالاری فرزند معزز شهید سید عزیزالله میرسالاری و همسر مکرمشان سیده مدینه میرسالاری(ساداتی) فرزند شهید سید ابوالحسن میرسالاری(ساداتی) بود. در خردادماه ۱۴۰۱ نیز در گزارشی با عنوان «شهیدی که مژده وصل از رسول‌الله(ص) گرفت» در مورد شهید سید عزیز الله میرسالاری در صفحه فرهنگ و مقاومت منتشر گردید.

پایگاه بسیج برادران آیت‌الله طالقانی و پایگاه بسیج خواهران امســـلمه و مســـجد حضرت مهدی(عج) در شهرک طالقانیِ اسلامشهر مسابقه شهدای میرسالاری را با محوریت جزوه‌ای که بر اساس مطالب کتاب همنشیان مهتاب و دو گزارش کیهان در مورد شهدای میرسالاری و برخـــی اطلاعات تکمیلی دیگـــر در پاییز ۱۴۰۱به صورت کشوری برگزار نمود. مراسم پایانی این مسابقه در قالب یادواره شهدا با مداحیِ کربلایی احمد صفری و سخنرانی حجت‌الاســـلام و المسلمین برقراری امام جمعه اسلامشهر و خاطره گویی و روایت‌گریِ آقای سید ابراهیم میرسالاری فرزند شهید سید عزیزالله میرسالاری و صحبتهای کامران پورعباس پژوهشگر و نویسنده حوزه ولایت فقیه و شـــهدا و تهیه کنندۀ گزارش‌های کیهان در مورد شـــهدای میرسالاری در مورد عظمت مقام و کرامـــات حضرت فاطمه زهرا(س) و شـــهدا در ۷ دی ۲۰۴۱ برگزار گردید.

در این مســـابقه ده ســـؤال تســـتی و چهار سؤال تشریحی به شرکتکنندگان در مسابقه از سراسر کشور ارسال و پاسخها ثبت و داوری گردید. سؤالات تشریحی به‌صورت کیفی و بصیرتی بود.

پاسخ‌های ارسالی شرکت‌کنندگان از سراسر کشور بسیار عمیق، احساسی،کیفی و پرشور بود و حکایت از آن داشـــت که مخاطبان ارتباط قوی و مستحکمی با شهدا برقرار نمودهاند و اهداف عالی مسابقه در سطوح بالایی محقق گردیده است.

در این مســـابقه دو سؤال جالب و خاص و منحصر به‌فرد نیز جزو سؤالات تشریحی قرار داشت که پاسخ‌های بسیار زیبا و خاص و منحصربه‌فردی نیز توسط شرکت کنندگان برای این سؤالات ارسال گردید. گزیده‌ای از پاسخها به یکی از این سؤالات خاص را در گزارش قبلی با عنوانِ «شـــهدایی که زنده و حاضر و ناظر هستند» نقل و گزیده‌ای از پاســـخها به سؤال خاص دیگر را در این گزارش ذکر می‌نماییم.

زندگینامۀ شهید سید الله خواست پرگانی

در بخشی از جزوۀ شـــهدای میرسالاری که برای مسابقه شهدای میرسالاری تهیه شده، زندگینامۀ شهید سید الله خواست پرگانی ذکر شده است:

«سردار شهید سید اللهخواســـت پرگانی که در سال ۱۳۴۶ در روستای کلگه برون از توابع دهدشت متولد شد.

سید الله خواست از کودکی مهر حسین(ع) به دل داشت و شور حسینی در سر. برگ برگ دفتر زندگی‌اش نقش و نگار عشق به خود گرفته بود. اخلاق و رفتارش زبانزد همگان بود.

در ســـال ۱۳۶۵ در رشـــته فرماندهی پیاده وارد دانشـــگاه امام حســـین(ع) گردید و همزمان در رشته کامپیوترِ دانشگاه مشهد پذیرفته شد و متعاقب آن در رشته خلّبانی نیروی هوائی نیز قبول گردید.

با اصرار فرماندهان و اســـاتید دانشگاه، تحصیل در رشته فرماندهی را ادامه داد و فارغ‌التحصیل شد. اما در این مدت هیـــچ گاه از جبهه‌ها غافل نبود و مرتب در جبهه‌ها حضور پررنگ داشت.

بعد از فراغت از تحصیل با آمادگی معنوی کامل و ارادۀ راسخ وارد سپاه شد.

خصوصیات اخلاقی‌اش به حق مختص خود او بود: ایمان به هدف، ایثار، بی‌باکی، شـــجاعت، خیرخواهی و ابتکار عملِ بی‌نظیر در وجود او متجلی بود. ایشـــان متهورانه‌ترینِ مأموریت‌های رزمی را بدون کوچک‌ترین تردیدی به بهترین وجه انجام می‌داد. هر گاه در عملیاتی گرهی حاصل می‌شد، سید با هوش و ذکاوت خاص‌اش گره‌گشا می‌شد.

پس از مدتـــی به‌عنوان جانشـــین فرمانده واحد اطلاعات و عملیات لشکر ۱۰ سیدالشهدا منصوب شد. در تیپهای امام سجاد(ع)، فاطمه زهرا(س)، تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی، لشکر ویژه ۲۵ کربلا، لشکر فجر و تیپ سرافراز ۴۸ فتح عاشقانه خدمت نمود.

وی علاوه‌بـــر مأموریـــت در لشـــکر پیروزمنـــد ۱۰سیدالشهدا، مســـئول تیپ اطلاعات قائم دانشگاه علوم و فنون نظامی دانشـــگاه امام حســـین(ع) را نیز بر عهـــده داشـــت. وی از کارآمدتریـــن و پرکارترین فرماندهان محسوب می‌شـــد. چندین بار در عملیات مختلف مجروح شد.

سید الله خواست از روزی که به جبهه رفت تا لحظه شهادت، در بیشـــتر عملیاتها نقش کلیدی و ارزنده‌ای داشـــت. وی پس از انجام مأموریت‌های شناســـایی در حالی که پیشـــاپیش دیگر نیروها بود، با آغاز عملیات در کنار رزمندگان دیگر به نبرد با دشمن می‌پرداخت.

وی خوب فکـــر می‌کرد و به جا تصمیم می‌گرفت و عالـــی عمل می‌کـــرد و تمام ایـــن حرکاتش رنگ و بوی خدایی داشـــت و اسوۀ نمونۀ یک مجاهد واقعی و فرماندهی تمام عیار بود.

با شـــروع عملیات پدخندق و در پی حضور گردان حضرت رسول(ص) در جاده خندق، بین جزایر مجنون و شـــط علی، سید که به چند و چون منطقه به خوبی واقف بود، همراه رزمندگان این گردان در منطقه حضور یافت. سید الله خواست فرماندۀ محبوب اطلاعات سوار بر موتور مورد اصابت گلوله مستقیم دشمن قرار گرفت تا مصداق واقعی چابک ســـوار اسب اخلاص باشد و در جذبه‌ای مستانه و خونین به دیدار محبوبش بشتابد.

وی هنگام شـــهادت ۲۱ سال داشت و پیکر پاکش پنج روز بعد از شـــهادت در زادگاهش به خاک سپرده شـــد. برادر جانبازش محمد لطیف فر نیز پس از سالها انتظار به کاروان شهدا پیوست.

در کتاب «پایی که جا ماند»، آمده است:

«شهید الله خواست پرگانی دیده‌بان قابلی بود و در دوره خلبانی پذیرفته شده بود.

شهید مستوفی‌زاده به الله خواست گفت: شما که دوره خلبانی قبول شده‌ای، چرا نمی‌روی دانشگاه؟ شهید پرگانی گفت: بدون خلبان شدن هم می‌شود پرواز کرد. ما دیده‌بان که هســـتیم، آن بالا، بالای دکل هستیم. با شهادت هم می‌شود پرواز کرد و به آسمان رفت.»

در وصیت‌نامۀ شهید پرگانی آمده است:

«همۀ مســـائل جامعه را باید با چشمی مسلح به عینک الهی بررسی نمود و رضای خدا را در نظر داشت.»

چگونه می‌توان بدون خلبان شدن هم پرواز کرد؟

دومین سؤال تشریحی مسابقه شهدای میرسالاری، سؤالی خاص به این صورت بود:

«در کتاب «پایی که جـــا ماند»، چه خاطره‌ای از شـــهید الله خواست پرگانی ذکر شـــده است و منظور شهید پرگانی از این که گفت: «بدون خلبان شدن هم می‌شود پرواز کرد، چه بوده است؟»

گزیده‌ای از پاســـخ‌های خاصِ شرکت‌کنندگان در مسابقه شهدای میرسالاری به اینِ سؤال خاص را نقل می‌نماییم.

شهادت، اوج پرواز کردن به سوی خداوند و بال گشودن به سوی الله

«منظور این شـــهید از این جمله این بوده اســـت که شهادت و شهید شـــدن خود پرواز کردن به سوی خداوند و بال گشودن به سوی الله هست. شهادت اوج پرواز کردن به سوی خداوند و پیوستن به لقاءالله است. معنوی اســـت، عبور از تعلقات دنیوی و پیوستن کامل به خداســـت؛ نیازی به ابزار مادی ندارد، نیاز ندارد که حتماً خلبان باشـــی. اخلاص و تلاش صادقانه شهید را به پرواز در می‌آورد.»

«وقتی تمام جوارح تســـلیم رب شد، وقتی روح از حب دنیا جدا شد، وقتی تمام هدف قربت الی‌الله شد، وقتی تمام شـــعارها عملی شد، وقتی تمام دل حبیب حضرت معشـــوق شد، آن هنگام وقت رهایی و پریدن و پرواز است.»

«شهید پرگانی به ما فهماند که خلبانی به دانشگاه رفتن و مدرک گرفتن و آخر هم پرواز به سوی آسمان نیســـت. خلبان واقعی کسی اســـت که دارای معرفتی کامل، چشـــمی بصیرت بین و بینشی خداگونه باشد، همـــه کارهایش را برای رضای خـــدا انجام دهد بدون کوچک‌ترین توجه و وابســـتگی به مادیـــات. [در این صـــورت] قطعاً دارای روحی بلند،آســـمانی و ملکوتی می‌شـــود، محبوب و معبود خود را همان خدای یگانه، تنها کسی که باید عاشقانه و عارفانه و مشتاقانه به سویش پروازکرد را می‌شناسد و سعی می‌کند تا مسیر را هموار کند تا بتواند خود را برای پرواز راستین آسمانی آماده کند. شهید پرگانی اشاره می‌کند به اینکه خلبان واقعی کسی است که ابتدا ازسیم خاردار نفس خود عبورکرده، آن زمـــان می‌تواند معنای واقعی پـــرواز رادرک کند و سبکبال وخالصانه برفرازآسمان حرکت کند، ان شاءالله.»

«منظور شـــهید از این جمله این است که: مقصد خداســـت و شـــهادت پرِ پرواز تا خدا؛ آری شهادت را نه در جنـــگ، در مبارزه می‌دهند. ما هنوز شـــهادتی بی‌درد می‌طلبیم، غافل که شـــهادت را جز به اهل درد نمی‌دهند.»

«منظور شهید از این جمله این است که شهادت، مرز زمین و آســـمان است و شهدا، با شهادتشان این مرز را بـــه راحتی پرواز خواهند کرد و به خدا خواهند رسید و به راستی که شهدا در عروجی جانانه از خاک به افلاک پرگشودند.»

پرواز واقعی یعنی عروج به سوی خدا با شهادت

«منظور این شـــهید این بوده است که این پروازها ظاهری است. پرواز اصلی و واقعی یعنی عروج به سوی خدا با شهادت.»

«منظورشـــان این بوده که با شهادت هم می‌توان پرواز کرد و به آســـمان رفت. شهدا به تمامی مسائل به قول خود شهید با عینک الهی نگاه می‌کردند و رضای خدا را در نظر داشتند. هدف شهید آرمان‌های دنیایی نبوده است بلکه نگاهی الهی به مسائل داشتند. شهید به دنبال رسیدن به سعادت و کمال و تقرب به خدا بوده است و به عقیده شهید و شهدای دیگر فقط با شهادت به این ســـعادت می‌رسند که همین هم درست است. شهید با این سخن می‌خواستند بیان کنند که همواره باید به دنبال پرواز و عاقبت به خیری حقیقی باشیم نه اینکه مشغول و سرگرم دنیا باشیم. پرواز کردن حقیقی و اصلی فقط با شهادت است که به انسان بال می‌دهد برای نزدیک شدن به خدا.»

«اشاره شهید به پرواز، یعنی شهادت. شهادت روایت پرواز اســـت، عروج آنها که همیشه زنده اند؛ خورشید، بزرگ‌ترین مؤذن صبح اســـت و شهید، والاترین مکبر آزادگی و کدام تکبیر رساتر و فراگیرتر از شهادتینی که در بی‌تعلق‌ترین ثانیه‌های زندگی، بر زبان شهید جاری می‌شـــود؟! آری! پرواز، محصول دل ســـپردگی مردان جهاد به عالمی فراتر از خاک است؛ محصولی که توازن عقل‌های زمین را درهم می‌شکند. پس سلام بر شهدا که پرواز کردند تا عندربهم یرزقون شوند.»

«شهید اگر در این دنیا بود باید طبق قانون آموزش خلبانی‌رفتار می‌کرد یعنی یک استاد می‌آمد کلاس‌های تئوری و عملی را برگزار می‌کرد و کارآموز بعد از گذراندن کلاس‌ها حق پرواز داشـــت. شهید با فدا کردن جانش این کلاس‌ها و نمرات را یک‌شـــبه گرفت و اســـتادش خداوند مهربان بود.»

«شهید بزرگوار خوب می‌دانست برای شهادت نیازی به بال و پر داشتن از نوع جسمانی و مادی نیست؛ همین که دلی بزرگ و عاشـــق داشـــته باشی، بصیرت داشته باشی و راه درست را انتخاب کنی، چشم دل را به جای چشم سر بازکنی، دل از زن و کودک خردسالت ببری تا مردمت در آرامش باشـــند، تا خاک میهنت را حفظ کنی، کفایت می‌کند.

برای پریدن روح از قفس تن نیازی نداری تا ۲ بال بزرگ پرنده روی دوشت داشته باشی، همین که سلوک و طریقت می‌شود مردانگی و شجاعت و ایثار، بس است. عاشق خدا شدن و پریدن و سبک شدن، ساده‌تر از زمانی است که بخواهی با ابزار و تکنولوژی به‌صورت مادی و نه معنوی در این دنیا بپری و به آســـمان برسی. تمام شهدای ما مانند ســـتاره‌هایی هستند که در دل شب سیاه و تاریک نورافشانی می‌کنند تا ما خفته دلان راه را گم نکنیم. هنوز هم راه شـــهادت باز است. هنوز هم در این ســـاعت و زمان می‌توانیم از جان شیرین خود بگذریم، آسمانی شـــویم، بال شهادت درآوریم و علیه ظلم و ستمگری مبارزه کنیم، علیه فتنه‌های رنگارنگی که هر روز از رسانه‌های اجنبی و بعضاً متاسفانه از گلوی خائنان وطنی بیرون می‌آید، روشنگری و تبیین کنیم و بی‌تفاوت نباشیم. مثل علی لندی‌ها که نتوانست نسبت به جان چند نفر از هموطنانش بی‌تفاوت باشـــد و جان شیرینش را در این راه گذاشت و سبکبال به سوی خدا پرواز کرد. او مانند همه شـــهیدان، روح بلند و بزرگی داشت که دیگر زمین نمی‌توانست آن را با وسیله‌های جذابش پاگیر این دنیا نگه دارد.»

«منظور شـــهید پرگانی از ایـــن جمله اوج گرفتن بدون تعلقات دنیوی و بالا رفتن بدون هواپیما و ســـایر چیزهاست. پرواز بدون مادیات یعنی شهادت، یعنی دل کندن از زمین و به سوی محبوب پرواز کردن، شهادت یعنی بریدن از تعلقات و رسیدن به یار، شهادت یعنی بیرون آمدن از منِ جسم و بلند شدن به سوی ملکوت با روحی بی‌قرار برای پیوستن به آرام قرار، شهادت یعنی تقدیم امانت جسم به الله و گرفتن روحی بلند که هیچ چیز وهیچ کس را دیدن آن میسر نیست.»

«اگر دل و جان به خدا بسپاریم و در راه او از جان خود بگذریم و در راه خشـــنودی خدا قدم بگذاریم و تا آخرین لحظۀ عمرمان نـــام خدا را به لب ذکر کنیم و مثل یک شهید زندگی کنیم، اگر خدا قبول کند می‌توان بدون خلبان [شـــدن] به دیدار خدا شتافت و در راه او شهید شد. ان شاء الله.»

«پرواز کردن فقط با جســـم نیست و ما می‌توانیم روح خود را به پرواز در بیاوریم. می‌توان با شهادت روح خود را آسمانی کرد.»

یادی از روحانی شهید مصطفی حجتی

فدایـــی انقـــلاب

سعید رضایی

در ۲۹ دی ســـال ۱۳۲۱در خانواده‌ای روحانی در شهرستان جلفا از توابع استان آذربایجان شرقی کودکی دیده به جهان گشـــود کـــه نامش را مصطفی نهادند؛ پدرش مرحوم شـــیخ قربانعلی از روحانیون با تقوا و از شـــخصیت‌های مورد احترام آن دیار بود و او از همان سنین کودکی درس تقوی و عدالت را در محضر این پدر معظم آموخت.

مصطفی پس از اتمام تحصیلات ابتدائی به سبب عشقی که به اسلام و روحانیت داشت به مدرسه دینی نمازی در شهرستان خوی رفت و سپس در سال ۱۳۳۴ به منظور ادامه تحصیلات دینی و کسب معارف اسلامی به حوزه علمیه قم وارد گردید و از این منبع سرشـــار کســـب فیض نمود و تا ســـطح سه دروس حوزوی را به پایان رسانید. در سال۱۳۴۲ از یاران با وفای حضرت امام بود و با وجود جو خفقان آن دوران اعلامیه‌های ایشان را مخفیانه به شهرستان‌های آذربایجان شرقی حمل می‌نمود و در میان علاقه‌مندان پخش می‌کرد و به بیداری ملت یاری می‌رساند.

در سال ۱۳۵۱ جهت خدمت به مردم مسلمان به تهران عزیمت نمود و در دوران شکوفایی نهضت اســـلامی نقش بســـزایی ایفا نمود، به طوری که اکثر راهپیمایی‌های منطقه غرب تهران به هدایت او صورت می‌گرفت و شـــعارهای تظاهـــرات را او ندا می‌داد. در تهران امامت جماعت مسجد سیدالشهداء(ع) را نیز بر عهده گرفت و در این مقام به ارشاد و راهنمایی مسلمین خدمات شایانی به انجام رساند.

دی ۱۳۵۷از جمله شرکت کنندگان در تحصن قهرمانانه و تاریخی روحانیون مبارز در مسجد دانشگاه تهران بود و توانست با حضور خود در این تحصن همراه با سایر روحانیون و شخصیت‌های برجسته انقلاب یکی دیگر از دسائس استکبار جهانی را خنثی نماید و در همان زمان نیز در همه امور انقلاب فعالانه مشارکت داشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سنگر مسجد و کمیته‌های انقلاب اسلامی به فعالیت پرداخت و با شور و شوقی وافر، روز و شب خود را وقف اسلام و انقلاب نمود.

شهید حجتی در غروب شنبه هشتم اسفند ۱۳۶۰، نماز مغرب و عشاء را با حلاوتی دیگر ادا کرد و عازم منزل شد. دو تن از عوامل گروهک تروریستی منافقین به منظور کشتار امت حزب‌الله در خیابان‌ها تردد می‌کردند. با مشاهده اتومبیل وی، او را آماج گلوله‌های شوم خود قرار دادند و پس از ارتکاب این جنایت از صحنه‌گریختند. جسم مطهرش پس از تشییع باشکوهی در بهشت زهرا(س) به خاک سپرده شد.

یک شهید، یک خاطره

سیلی

مریم عرفانیان

سال پنجم درس می‌خواند. یک روز همان طورکه دست بر صورتش گذاشته بود، با ناراحتی وارد خانه شد. از پلک‌های پف کرده‌اش فهمیدم گریه کرده اســـت. او را کنار کشیدم و پرسیدم:

«حسن! چرا ناراحتی؟»

جواب داد:

«معلم سر کلاس به من سیلی زد.»

نگران شدم و دوباره پرسیدم:

«چرا؟»

دوباره جواب داد:

«نمی‌دونم!»

پســـرم آن روز چیـــزی نگفـــت، امـــا وقتـــی روز بعد از همکلاسی‌اش علت را جویا شدم فهمیدم حسن سر کلاس اعلامیه توزیع کرده بود. معلم پرسیده بود:

-«آقاسی‌زاده! چه چیزی بین بچه‌ها پخش کردی؟»

حسن جواب داده بود:

-«چیزی نیست.»

آن وقت معلم از شاگردان پرسیده بود و بچه‌ها هم چون حسن را دوست داشتند گفته بودند:

-«ما چیزی ندیدیم.»

معلم حسن را جلوی تخته‌سیاه برده و گفته بود:

«باید بگویی چه چیزی رو رد کردین؟»

و جواب سکوت او سیلی بود که به صورتش زده شد.

همان سیلی باعث شد تا حسن با سیل خروشان مبارزات همراه شود؛ سیلی که کاخ ظلم را فروریخت.

* خاطره‌ای از شهید حسن آقاسی‌زاده شعرباف

راوی: تقی آقاسی‌زاده شعرباف، پدر شهید

مقاومت در فضای مجازی

دلایل شکست جدید رژیم صهیونیستی مقابل مقاومت

«در مسئله غزّه پیش‌بینی‌ها دارد به‌تدریج خودش را کاملاً نشـــان می‌دهد. از اوّل پیش‌بینیِ روشن‌بینانِ دنیـــا، چه این‌جا و چه جاهای دیگر این بود که در این قضیه آنی که پیروز خواهد شـــد، مقاومت فلســـطین است، آنی که شکست خواهد خورد، رژیم خبیثِ ملعونِ صهیونیست است. رژیم صهیونیستی بعد از این قریبِ صد روز جنایتـــی که دارد انجام می‌دهد، به هیچ‌کدام از هدف‌هایش نرسیده است. اعلام کردند حماس را از بین می‌بریم، نتوانستند. اعلام کردند مردم غزه را منتقل می‌کنیم، نتوانستند. اعلام کردند جلوی اقدامات مقاومت را می‌گیریم، نتوانستند.» این جملات بخشی از بیانات رهبر انقلاب اسلامی در روز ۱۹ دی‌ماه است که در آن به شکست رژیم صهیونیستی در تحقق اهداف خود در نوار غزه اشـــاره کرده‌اند. اکنون که ۱۰۰ روز از تهاجم رژیم صهیونیستی به نوار غزه می‌گذرد، ناکامی تل‌آویو در جامه عمل پوشاندن به اهدافی که وعده تحقق آن‌ها را داده بود، بیش از هر زمان دیگری نمایان شده است.

و در ادامه ایمان و اعتقاد اســـلامی رزمندگان مقاومت را مهم‌ترین دلیل شکســـت رژیم صهیونیستی پس از ۱۰۰ روز جنایـــت عنوان می‌کنـــد. کما اینکه روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارانوت» نیز در این خصوصا اذعان کرده اســـت: «حماس ثابت کرد که یک ارتشِ پایان‌ناپذیر اســـت؛ بنابراین سخن گفتن از نابودی آن چیزی جز یک توهم نیست.» رهبر انقلاب اسلامی نیز در روز ۱۹ دی‌ماه تأکید کردند: «مقاومت زنده، سرحال، آماده، رژیم صهیونیستی، خسته، سرافکنده، پشیمان و داغ باطله جنایتکار به پیشانی‌اش خورده است. این وضعی است که امروز وجود دارد.»

از سوی دیگر، «آوراهام شاما» استاد دانشگاه «تورث ویسترن» آمریکا در تحلیل نبرد کنونی غزه می‌گوید: «فارغ از آنچه که هم‌اکنون در غزه می‌گذرد باید بگویم که حقیقتا اســـرائیل شکســـت خورد و حماس پیروز شد.» افزون‌براین، جنبش حماس و مقاومت فلسطین، مقاومت مردمی و دارای پایگاه و پشـــتوانه اجتماعی است و نمی‌توان از نابودی آن سخن گفت. این همان مسئله‌ای اســـت که «ریچارد سیلورستاین» تحلیلگر آمریکایی به آن اشاره کرده و می‌گوید: «حماس صرفا یک تشکیلات نظامی نیست بلکه یک جنبش مبارزه ملی محســـوب می‌شـــود و به همین دلیل نابودی آن غیرممکن است.»

رسوایی تل‌آویو در آزادسازی اسرای صهیونیست

یکـــی دیگر از مهم‌ترین اهـــداف تل‌آویو از تجاوز نظامـــی به غزه که نتانیاهو خـــود تاکنون چند مرتبه وعده تحقق آن را داده، آزادی اسرای صهیونیست بوده اســـت. با این حال، در مـــدت ۱۰۰ روزی که از جنگ علیه غزه ســـپری می‌شود، رژیم صهیونیستی حتی از آزادســـازی یک اسیر خود - خارج از چارچوب مذاکره و گفت‌وگو- عاجز بوده است.

تنها در طول آتش بـــس ۷ روزه که از ۲۴ نوامبر ۲۰۲۳ برقرار شد، مقاومت در چارچوب فرآیند مبادله، شماری از اسرای صهیونیســـت را آزاد کرد. این بدان معناست که صهیونیست‌ها نه‌تنها در آزادسازی اسرای خود با توســـل به زور ناکام ماندند، بلکه مجبور شدند برای رسیدن به این هدف، با مقاومتی که مدعی بودند هرگز با آن مذاکره نخواهند کرد، مذاکره کنند.

صهیونیست‌ها نه تنها در تحقق هدف اعلامی‌شان در آزادی اسرا ناکام ماندند، بلکه در تلاشهایشان برای آزادی اســـرا یک رســـوایی به بار آوردند. ماجرا به ۱۵ دســـامبر بازمی‌گردد، یعنی زمانی که ارتش اســـرائیل اعلام کـــرد نیروهایش در جریان عملیات آزادســـازی شماری از اســـراء در غزه ۳ تَن از آن‌ها را به اشتباه به قتل رســـاندند. این رسوایی بزرگ، موجی از اعتراضات در اراضی اشغالی را به دنبال داشت و فشارهای داخلی علیه نخســـت‌وزیر رژیم صهیونیستی را بیش از پیش تشـــدید کرد. «هرتزی‌هالیوی» رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل در واکنش به این رسوایی گفت: «ارتش اسرائیل در مأموریتی که برای آزادسازی اسراء ترتیب داده بود، شکست خورد.»

«ابوعبیده» سخنگوی شـــاخه نظامی حماس نیز اعلام کرد: «اسرائیل جز از طریق فرآیند تبادل و عمل به شـــروط مقاومت نخواهد توانســـت اسرایش را زنده بازپس‌گیرد.»

امین حطیط، استراتژیست لبنانی نیز در گفت‌وگو بـــا KHAMENEI.IR و در تحلیـــل چرایـــی ناکامـــی صهیونیست‌ها در آزادسازی اسرای خود گفت: «هیچ‌یک از عملیات‌های مســـلحانه اسرائیل به آزادی اسرای آن منجر نشـــد، زیرا مقاومت تمامی تدابیر لازم برای دور نگاه داشتن اسراء از دسترس رژیم صهیونیستی را به خوبـــی اتخاذ کرد. در واقع، مقاومت باعث شـــد رژیم صهیونیستی در برابر دو گزینه قرار گیرد؛ یا همه اسراء را به قتل برساند یا برای آزاد کردن‌شان تن به مذاکره و گفت‌وگو دهد.»

شکست در نابود ساختن زیرساخت نظامی مقاومت

«دانیل هگاری» سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی در روز سوم نوامبر ۲۰۲۳ مدعی شد که نیروهای ارتش این رژیم ضمن پیشروی در غزه زیرساخت‌های نظامی در زیر و روی زمین را از بین می‌برند. با تمامی این‌ها، شـــلیک موشک از نوار غزه به ســـمت اراضی اشغالی همچنان ادامه دارد و همین مسئله نشان می‌دهد که صهیونیست‌ها در ضربه زدن به زیرساخت‌های نظامی مقاومت نیز ناکام مانده‌اند.

کتائب القســـام با هدف به تصویر کشـــیدن عمق ناکامی رژیم صهیونیســـتی، در همان دقایق نخست ســـال ۲۰۲۴ با شلیک ۲۱ موشک «M ۹۰» مناطقی در تل‌آویو را هدف قرار داد. شلیک این تعداد موشک آن هم در «ساعت صفر» سال ۲۰۲۴، مسئله‌ای است که بیانگر قـــدرت فرماندهی مقاومت در تعیین زمان و مکان حملات موشکی اســـت. حماس با این اقدام، ادعای اســـرائیل مبنی بر نابود ســـاختن ۸۰ درصد از توانمندی‌های نظامی مقاومت در حوزه عملیات موشکی را برملا ساخت. بدون تردید، شبکه پیچیده تونل‌های حفرشده در سراسر نوار غزه نیز یکی از مهم‌ترین علل و عوامل ناکامی رژیم صهیونیستی در مخدوش ساختن توانمندی نظامی مقاومت بوده است.

ناکامی در کوچاندن اجباری مردم غزه

همان‌طور کـــه رهبر انقلاب اســـلامی در بیانات اخیرشـــان اشـــاره کردند، ناکامی صهیونیست‌ها در کوچاندن اجباری مردم غزه از مناطق محل سکونت‌شان به سرزمینی خارج از فلسطین، یکی دیگر از ناکامی‌های رژیم در تحقق اهداف اعلامی‌شـــان اســـت. پیشـــتر صهیونیست‌ها رسما از تصمیم خود برای انتقال ساکنان غزه به خارج از این باریکه سخن گفته بودند.

در همین ارتبـــاط، «ایتمار بن‌غفیر» وزیر امنیت داخلـــی کابینـــه «نتانیاهو» در ســـخنانی گفته بود: «مهاجرت مردم غزه اجازه شهرک‌سازی در این باریکه را به ما می‌دهد.»

در همین حال، «بتسالل اسموتریچ» وزیر دارایی رژیم صهیونیســـتی نیز بر لزوم مهاجرت مردم غزه و انتقـــال آن‌ها به خارج از این باریکه ســـخن گفت. او در ایـــن خصوص تأکید کـــرد: «جنگ این اجازه را به ما می‌دهـــد که بر روی موضـــوع مهاجرت مردم غزه متمرکز شویم.» او همچنین گفت: «بهترین راهکار از نظر من انتقال مردم غزه به کشورهایی است که تمایل به پذیرش آنها دارند.»

تمامـــی این اظهـــار نظرها حاکی از آن هســـتند که کوچاندن اجباری مـــردم غزه یکی از اهداف رژیم صهیونیســـتی از جنگ علیه مـــردم و مقاومت در این منطقه بوده و هست. با این حال، صبر و پایداری مردم غزه به صهیونیست‌ها اجازه نداده است تا به این هدف خود جامه عمل بپوشانند.

مقاومت و پایمردی مردم غزه در ســـرزمین خود موجب شده است تا آن‌ها علی‌رغم فقدان آب، برق، غذا و ابتدائی‌ترین امکانات زندگی حاضر به تسلیم در برابر فشارها برای مهاجرت و کوچ اجباری نباشند. این صبر و ایســـتادگی تا حدی پیش رفت که «نهاد ابو غوش» کارشناس و تحلیلگر سیاســـی جهان عرب می‌گوید: «فلســـطینی‌های ســـاکن غزه مُردن در این باریکه را به مهاجرت ترجیح می‌دهند.» رهبر انقلاب اســـلامی در تمجید از این صبر و پایداری تأکید کردند: «گروه کوچکی از مردم در زمینی کوچک، آمریکا با آن همه ادعا و رژیم صهیونیســـتی آویزان به آمریکا را با قدرت صبر و ایستادگی خود، عاجز کرده‌اند.»

امیـــن حطیط، تحلیلگـــر اســـتراتژیک لبنان در گفت‌وگو بـــا KHAMENEI.IR درخصوص نقش صبر، مقاومـــت و اســـتقامت مردم غزه در ناکام گذاشـــتن طرح کوچ اجباری ساکنان این باریکه می‌گوید: رژیم صهیونیستی بیرون راندن مردم غزه از سرزمین خود را به عنوان یکی از اهداف اصلی‌شان دنبال کردند. با این حال، ما دیدیم که حتی زمانی که خانه‌های این مردم تخریب شد، نشستن بر روی ویرانه‌های خانه‌های‌شان را بر مهاجرت و تســـلیم در برابر کوچ اجباری ترجیح دادند. مردم غزه این‌گونه نقشه دشمن را ناکام گذاشتند.